SADAR DIWANI ADALAT

(16)

FR000116

(Civil Appellate Jurisdiction.)

Appeal No. 385 of 1833

(From the District of .....)

Raja Jasandan Amarsingh Mahinder ***Appellant(s)***

versus

Mushamat Ranee Kundan Dei mother and guardian of Bhagyanath Mahendar. ***Respondent(s)***

PART I

(To be preserved perpetually)

DECIDED ON 2.9.1835

Office note :—

385/1833-01

385/1833-C/A

[P. H. C. Sch. III—3.]

Sadar Diwani Adalat—

In the High Court of ~~Judicature at Patna.~~

TABLE OF CONTENTS.

Appeal No. 385 of ~~194~~ 1833

Raja Janardan Amarsingh Mahinder — *Appellant,*

versus

Mushamat Rani Kundan Dei mother and guardian of Bhagyavatti Mahendra — *Respondent.*

Serial No. of Paper.	Description.	Pages.
	Order-sheet..	
	Remand order	
	Finding of the Lower Court upon remand	
	Judgment of the High Court S. D. Adalat ..	3.
	Decree of ~~the High Court~~ S. D. Adalat + Copy thereof.	1-2
	Memorandum of Appeal	
	Lower Court Judgment and Decree	
	Cross-objection	
	Award of arbitrators or petitions of Compromise and Court's permission thereto.	
	Paper-books	

Signature of Officer of Court. [signature]

Compared and found correct.

Date 2/6/41

Record-keeper.

K. V. Press, Patna.—J. 66H. 10,000—27-9-40.

355/1833-02

(3)

نمبر ۳۸۵

سنہ ۱۲۴۳

روبکار رستہ عدالت دولت صدر مقام کلکتہ بنام محمد سلطان ساکن حاکم العدہ مذکورہ

واقع شہر ماہ اکتوبر سنہ ۱۸۳۶ عیسوی مطابق ماہ ربیع الاول سنہ ۱۲۴۳ ہجری

بحضور جنابردن ارسکہ مہندز مفسر

اعلان نامہ

بہ اکبر رام مہندز

رسانندہ

بموجب حکم ولیم ارتھر نصاحب حاکم العدالت واقع نہم ماہ فروری سنہ حال

اعلان نامہ مارکور نامزد وغیرہ کاغذات متعلقہ آن بر دو رسانندہ ہذا

در سکہ دیوانی نامزد حاضر وکیل اعلان علیہ بعد رسانیدن متوفی ماندہ

رسانندہ در ناظر وکیل مدعا حاضر آنعدہ ناظر قطوم عرضہ وکیل

385/1833-03

(۱)

ذکر الیت دیوان صدر مقام کلکته

۱۸۳۴
۱۸۳۵

بتمنا تاریخ دوم ماه سپتمبر ۱۸۳۵ عیسوی مطابق بیست و هم ماه جمادی الثانیه ۱۲۴۲ بکلیه و جهاز نشیب بندر سکیپور صاحب العدالت ملکه

راجه جبار دن امر سنگه فرمانروای بهادر مفلس

انشاء

مسماه را گرفتند و بقلعه بهرتپور که عرف شام شده مهند رمتوفر و باد و محافظ بهاگرفتن مسمی

بدست

مقدمه اینکه ایام سابق مدعی مدعو مداخلت تاج قلعه دیکانال تعداد مبلغ چهار هزار مقصد و مهاد
و یازده کنده و دو کوده پیشکش سالانه آن تا تاریخ پانزدهم دیسمبر سنه ۱۸۲۷ عیسوی نام ابهر سنگه عرف شام سندر مهندر
و فیکلشه تینیاک و دیکامر تینیاک و اند تینیاک و بهکو پاکر او بلیهد رمصر و مادر رانی مدعا علیهم در عداد
قسمت خیولی ضلع کنک بدین اظهار انشی نمود در راجگی قلعه مذکور ملکیت موروثی راجه ابرام چند رمهندر بهادر
بطن در انیه بهادر راجه راجن مهندر بهادر فرخ چند مدعی متولد نشده بود بعد فوت پدر خود شش بر راج قلعه
متروکه مدعی در اثنا قانصر و ذخیره کردیدن راجه کرشن راکه پسر بطنی مسماه بلاقی بهول سپاهی او بود در سنه ۱۲۱۱ عملی با
کار دی پیناک شادی و در سنه ۱۲۱۴ عملی با مسماه رادهیکا دی مادر مدعی دختر جگناتهه سر انجمدار بود بهول سپاه کرده
موروثی مکانی احداث کرده مادر و پدر مدعی را در انجا داشته هر کاه در سنه ۱۲۱۶ عملی مدعی متولد شد
ابواب شادی و سامان بر خود کشاده انعامات کثیره بلاز ماو برهمنان و غیره بخشید در سنه ۱۲۲۹ عملی پدر مدعی را
کرد که پدر مدعی بر مسند راجگی قایم کردیده در سنه ۱۲۳۲ عملی مادر مدعی و مدعی با دیکر رانیان و کار پردازان
بمقام کیلاس کر انجا مندر مهادیو بود رفته امورات چوراکرن و بندوبست آنجا مدعی انجام داده و تعلیم و پرورش
بماه ماکهه سنه ۱۲۳۹ عملی وقت روانکی خود بر اغسل در یاکنک مسمی بدیوالو کنانهه پرم کرو وغیره کار پردازان
کرد که امر اجعت من کار راجکی باجلاس مادر مدعی انجام میدادکا باشد و اکر حیات من وفا نکند تا امر سنکیه یعنی

385/1833-04

راجکی خواهند نشانید گفته و فهمانیده روانه شدند بمشیب اندی در اثنای راه بموضع جهار واله بقلعه
رسیدند از قلعه واقع ست بلجوق عوارض جسمانی این جهان فانی را بدرود نموده مرد و نامهراهی نعشش را در قلعه
مادر مدعی لوکنا تهه پرم گرو و غیره کار پردازان را طلبیده برای نشانیدن مدعی بر مسند راجکی و مهیا
سوزانیدن نعش متوفی تاکید نمود و دختر کاردپرتنا یاگ برای ستی شدن مستعد بود جهت دادن
مدعی طلب داشت اما مسمیاد اسر تهی بورته وغیره مدعا علیهم لوکرا بدر مدعی از راه محرامی با ظهار فرو
ساعت ستی شدن مدعی از نزد رانی مذکوره رفتن و بر مسند راجکی نشستن ندادند نعش پدر مدعی را
و سماه را دهیکاری سوزانیده مدعی لوکنا تهه پرم گرو و دیول تر بند او بلهدر و کهکنا و کدایی راو
با بجولانه مقید گردانیده مسمی ایسنگه پسر بطنی مسماه چندر قوی حامی ظاهر بود پسر رام چندر مهندر ساکن موضع
ساخته بر مسند راجکی نشانیدند و نامبرده بصلاح و اسر تهی بورته وغیره لوکنا تهه پرم گرو و
قتل کرده مبالغ خطیر از نقد و جنس از ملکیت پدر و زیورات مادر مدعی بقبض و تصرف خود در آورده
با بجولانه یک خانه و همشیره اش بمکان دیگر مقید داشتند که بصدور خفیه و پس بر برند
رهائی یافته پسر مدعی به بتوب بودن خود شرح حال بسر کرده رام چندر مهندر بطنی زن پهول سیاهی مطابق
راجکی و اموال متروکه پدر خود بوده ست و ابهیسنگه ناحق مدعی را مقید کرده با تفاق مکنهه تنیاگ و

اعلیهم
و اموال مسورقه و دخیل گردیده لهذا بدعوی مرقومه الصدر مستعیث و امیدوار انصاف سرانشام سندر
بکی از مدعا
بجواب خود از دعوی مدعی انکار تجاوز آورده مینویسد که مادر مدعی دختر نبار باتر قوم چاپ بوده باتر مذکور را
در زمان متوفی
بدست او جان باتر قبالجات فروخته و او به بندیا نام ساکن نام و مسماة امینی نهاده او را بخدمتگاری
جندر کسیب
خواهر خود تش در کسب ذات خود بسر او قات میکرد و او روزی بتقریبی بمقام کیلاس رفته بود که کشن
اورا
آورده از خوف پدر خود چند سال بموضع لحمر لوه نباصله یکروه از قلعه و بعده در سرمداسای چهار
احداث
خانه بحجره
کرده داشته که در انجا مدعی پیدا شده و مادرش نام و را مسکنه نهاد من بعد در سنه ۱۲۱۹ عیسوی چندر مذکور به
کدخدا
راجگی نشسته مادر مدعی را در کسبی خانه نجانه فیمابین سوآمن که از تور یعنی محل سرانباصله سه پرسا پیر واقع
385/1833-05
تور
چند بحره خانه طیار نموده داشته آمد و رفت میکرد اگر اظهار مدعی صداقت میداشت البته مادر سا
مدعا علیه
یعنی محل سرامثل دیگر رانیان قیام و عزت و اعتبار میداشت و انچنین کاهی اتفاق نشده و مادر چندر و
عاعلیه
هر دو رن پهول سابق راجه را چندر مهند ربودند و بسبب کلان بودن کشن چندر بعد فوت پدر باتفاق و هم طعامی مدعا علیه
عاعلیه
راجگی قایم و برمتروکه پدری دخیل مانده و چون کار پردازا میدانستند بعد فوت کشن چندر سرپرست و
خاندان مدعا علیه
متوفی
مستحق راجگی بوده ست لهذا انها حضرت راجگی از رانیان بمدعا علیه و مانده بر گدی راجگی نشانیدند و نقش راجه
قدیم
باجازت سورا نیده بدستور قدیم کمر اطاعت بستند اگر چیزی نقص بر حقیت مدعا علیه میبود پسر خورد را
خواه
کی انیقدر سال امید انشستند بمرات دیگر داخل نمود مطلوب الجواب مجیب جواب بعد فوت شام سندر مسماة کشن دی

زوجه و منکوحه مهاکرتی مهندر و خیلکار حال قلعه و اخلاص ساخته معید جواب مکرلوده مهاکرتی مهندر از خاندان راجه

متوفی
نرلوچن مهندر بهادر مینویسد که خواهر زاده دیکامبر تلیا یک مطلقه ورانی پتیا بس دئی زوجه چندن مهندر

گزرگ
قطعه درخواست بطور مراحمت متضمن بوده مدعی پسر پهول سیاهی شوهر خودش و بودنش پسر کوشنام سندر

دن
و بودن مهاکرتی پسر متبنا شام سندر مذکور وغیره مراتب طول و فصول و اخلاص حسب معهود دیگر مدعا علیهم مجیب عدالتخویر

عما اظهار
ولکم دلکیسن صاحب سشن پرمنت تلیجات واقع سیوندهم سپتمبر سنه ۱۸۳۳ بدین خلاصه توجیه انفصال یافت حرر

385/1833-06

خودش پسر بطنی آن پهول سیاهی راجه کشن چندر مهندر متوفی و بودنش نام سندر مهندر برادر متوفی مذکور

پسر دختر قوم حجام دعویدار و خیلیانی راجگی قلعه و مال متروکه پدر خود گشته برای اثبات آن اسم نویسی کواه

داخلساخته باجرای سفینه هفت کس را که حاضر کرده انیده منجمله انها گنگا دهر مهارنها و داس رتن مهتی کواهان بود

پسر بطنی قولی پیدا کرده اند و هرچند باقی پنج کس کواهان بود مدعی از بطن پهول سیاهی راجه مذکور بها لیکن بعد تر

اعتماد نیست زیرا چه منجمله انها داس رتن مهتی معرد و رسنگه پانجوسی و پتامبر داس و مظفر بیگ بسبب سزا یافتن و مورد

و شهر بدر کردیدن خود ها در عهد کشنچندر مهندر بهادر در هر یک عهد و این خاندان بوده است چنانچه شهادت بیان

مذکور
و مقدمه هذا از تدابیر انها برپا شده است چه عجب کواهی زور داده باشند پس در نصورت ستم از کواهان

ن دراز دره

مدعا علیه بود مدعی پسر بطنی قولی و بودنش نام سندر پسر پهول سیاهی ظاهر ها در رای آن از قول زبان بند

ے
و کونید چون هر کدام انیده مدعا علیه و تفاوت فیصله عدالت دیوانی صدر مصدوره بست دوم مارچ ۱۸۲۵ خلاصه مدعی

واضح

که صاحبان عالیشان عدالت موصوفه به تنوب بودن شام سندر پسر بهول سیاهی راجه راجچند یعنی برادر علاتی شخصه

بمنظور رایات به تردید فیصله صاحب پسر ندت معروضه سیوم ماه ۱۸۲۳ سنه محرره پرداخته اند وهم در انوقت ذکر بود

مدعی پسر کشنچند رطنی پیشی صاحبان عالیشان صدر دیوان آمده بود اگر انوقت در رای صاحبان ممدوحین

محق راجگی میشد پس بعد که مقدمه مذکوره بحق شام سندر دگری نمیفرمودند وهم از اظهار لوکنا مهتا پاک مختار راجه

کشن چندر پسر پسر ندت سلف بحین حیات راجه مذکور حلفاً قلمبند کرده بودن مدعی علیه کسبی بود

برادر علاتی و ثابت علاوه آن سمناه ارن پوروهت قوم کسبی اظهار خود در تاریخ بیست و پنجم دسمبر ۱۸۳۱ صاحب مختصر

پسر مدت حلفاً نویسانیده ازانبود نامبرده مدعی از قوم کسبی ظاهر خانچه صاحب موصوف نقل آن دلیلها تامل

مثل مقدمه هذا منظم فرموده اند در نیصورت تنها بودن مدعی پسر کسبی هیچ شک باقی نمانده و با وجود

بودن برادر رتاهه وغیره اقربا بهیچ صورت از روی جواب وسوال دوازدهم راجگان قلمی مدعی آن

بمنزله دستاویز درین شک گذرانیده محق یافتن راجگی نیست نظر بر ادعوی مدعی بیجا متصور و چونکه نسبت بتنیت

بهاکرتهی هلوخیکا رحال عاجله مذکوره فیمابین رانی پتاسدی زوجه کشنچند رهندر ورانی کندن دی عوزجه

شام سندر مهندر یعنی پتاسدی نمودن او را پسر متبنای خود حسب اجازت شوهر بعد شش روز از فوت شام سندر

وکندن دی نمودن شام سندر شوهرش بهاکرتهی را پسر متبنای خود قبل دو روز از فوت خود تنازع 385/1832

مکرر تجویز نمودن مدعی نا بود

تجویزش در نیمقدمه ضرورت ندارد زیرا چه در نیمقدمه صرف تجویز و تحقیق مراتب بود

محق راجگی ضرور بود لهذا عمل آورده تجویز آن جداگانه بصورت متفرقه مناسب آمده ملحظ مراجعات

مشرحه بالا حکم شد که دعوی مدعی دسمن وصیح خرچه ذمه مدعی گردد اپیلانت ازان فیصله نامزد گشته

سوال اپیلصدر مفلسانه مع وجوهات اپیل و نقات فیصله پیش صاحب سپرنڈنٹ موصوف گذرانیده

بذریعه چٹھی صاحب سپرنڈنٹ واقع ۸ سمبر ۱۸۴۳ عیسوی در نیعدالت رسیده بتاریخ ۳۰ سیوم ماه مذکور

به نشست کامل انجانب و رابرٹ هالڈن راتر بصاحب حاکم انیعدالت در پیش گردیده بوجوه رونگاری

تاریخمقوم پایه منظوری یافته اجرای اطلاعنامه بنام اپیلانٹ و اعلامنامه بنام سپرنڈنٹ و طلبی گذاشت

بعمل آمده و بعد مرتب شدن مقدمه بموجب حکم نشست انگریز سر قومه سیزدهم ماه جون ۱۸۴۴ عیسوی مقدمه مذکور ملاتر تیب

نمبر بتاریخ یکم و سیوم و چهارم ماه جولای ۱۸۴۴ عیسوی بنشست طامس کملک راسن صاحب قایم مقام حاکم

انیعدالت در پیش و بعد ملاحظه کاغذات مقدمه مدین توجیهه انفصال یافت که اپیلانت سابق مدعی دعوی

مداخلت راجگی قلعه ڈهیکانال باظهار بودنش پسر راجه کشیچندر مهندر متوفی از بطن زن پهول میاهی متعه مستعیت قلعه

از قلعجات مفصله دفعه دوم قانون یازدهم ۱۸۱۶ است و بموجب دفعه سیوم قانون مذکور در حوزه مقدمات انجا

مراعات دستور و رواج قدیم آندیار واجبست و متحم واز اظهارات گواهان رسپانڈنٹ ملکه از روی

گواهی کنکاد هر مهار تهانو دار تهمهنی گواهان اپیلانت بتحقیق پیوست که حسب دستور خاندان راجگان

دهیکانال زنان پهول میاهی در نور یعنی محل سرامی باشند و لولی بازاری پهول میاهی

نمیتوانند شد و در نورجا بهم نمیتوان یافت و مادر مدعی لولی بود و بیرون از نور یعنی محل سرای
راجه کشنچند رمهند قیام میداشت و کاهر در نورجا نیافته و از جواب هر دو مندرجه نقیبت و پنج سوال و جواب راجگان
قلعجات ضلع گنگ که برای دریافت ستور خاندان انها گرفته شد معلوم میشود که پسر بطنی کسبی و کنیز حقدار راجگی
وهرگاه مادر مدعی پهول سیاهی راجه کشنچند رمهند متحقق نشد پس انچه در جواب دوازدهم نقره قومه نوشته شده که پسر پهول سیاهی راجه
نمیتواند شد بکار شش نمیتوان آمد و علاوه راجه شدن پسر پهول سیاهی مشروط بشرط بنودن برادر و راجه
383/1833 - 08
قریب تر از برادران اجدی بزیر صورت نزد یک انجا بهم اپلانت استحقاق راجگی قلعه مذکور ندارد
و فیصله صاحب سپرنڈنڈنٹ در باب مدعی مشار الیه بهم مشعر بود لیکن بلحاظ شکینی مقدمه صدر و حکم بجا
حاکم دیگر مناسب تصور کرده حکم شد که کاغذات مفصله صدر و حکم قاطع انکه اپیل اپلانت مسمر گردد و فیصله
قلعجات قسمت جنوبی ضلع گنگ مقومه سیزدهم سمبت ۱۸۳۳ بحال و برقرار باشد بشرح ثانی پس سوال
بتاریخ پانزدهم ماه مذکور ۱۸۳۴ عیسوی حکم ضروریت مه بطبق آن تاریخ پانزدهم ماه مذکور ۱۸۳۴ عیسوی حکم
به نشت چارلس ریچارد ویلصاحب حاکم انبیالا روبکار کشته بعد ملاحظه کاغذات مقدمه بطلب اظهار مادر
اپلانت و کیفیت بعضی مراتب راجه روبکار بهار تواریخ مرقومین ملتوی ماند پس از ان بعد وصول
سپرنڈنڈ مرقومه بیست سوم ماه مذکور ۱۸۳۴ عیسوی تاریخ هشتم و سیزدهم جولائی ۱۸۳۵ بار حاکم موصوف روبکار
تحریر یافت خلاصه اش انکه بغور کاغذات و لحاظ براظهارات گواهان اپلانت صاف ثابت شد

راجکنس سر از بطن مسماة رادهیکا دختر جگناتهه برهمن متخصص معبد و
بوده است و راجه مرحوم در حیات خود بکمال احتیاط اپیلانت را بپرورش و تعلیم میکرد و مادر
و اعتبار میداشت و هرگاه راجه کشن سرن فوت کرد آنوقت اپیلانت نابالغ و شانزده سال
و بالغ بود بجبر و تعدی برکدی راج قلعه تنازعه نشسته اپیلانت و مادر و خواهرش را مقید ساخت
و متعلقانش را بجز اینکه اپیلانت بمسحق را بکلی میدانست و لهذا خوف میکرد دیگر نبوده باشد
مدعا علیه رسانیدند منظور اندکه مسماة رادهیکا دیوی مادر اپیلانت اولاً نزد رام داس سنیو بود بعد رفتن او
در آنوقت مسماة مذکوره بعمر نهده یا هجده ساله بود آنرا راجه کشن چندر پیش خود داشت لیکن بر گواهی
محض نابعدار و مشیر کار مدعا علیه بوده اند اعتماد عدالت حاصل نمیتواند شد و مدعا علیه فیصله انیدالت
را دلیل خود میسازد مانع حق اپیلانت شدن نمیتواند چه هرگاه تجویز مقدمه مرقومه در انیدالت بعمل آمده
بسبب نابالغی و لاچاری بار جاع اپیل آنمقدمه معذور ماند با دیگر مراتب باختلاف رای حاکم
سمت ۱۸۴۳ء

کاعدات مقدمه بغرض صدور حکم قاطع اینکه اپیل اپیلانت ذکر و فیصله صاحب سپرمدت واقع شده
و منسوخ گردد و اپیلانت باجرا ذکر انیدالت بر راجگی قلعه متنازع فیه دخلد ها نیده یابد و خرچه بعد
و خیلکار حال قلعه متنازعه نوشته شود و بنشست ثالث پیش کرده آید و اپیلانت که دعوی زر و اصلاً
میدارد حالا نسبت بدان صدور حکمی ضرور نیست و در صورت اتفاق راجی حاکم دیگر با حلیاس

385/1833 - 09

حکم مناسب صادر خواهد شد فقط الحال منشی دادارنجش و سند اسکهه پندت و مستر نیک بحضور آقای منشی و الله
وکلای ایلانت منشی حسنعلی و کیل مدعی و کیل مدعا علیه حاضر آمدند بعد قبل مقدمه ابتدا
بشنیدن و بفهمیدن اکت و اول انیمامه نسبت انجانب رو بکار و جوه مندرجه رو بکار یهای تواریخ مرقوم
مرافعه اول و ثانی و کاغذات تحقیقات تا اظهار رام ساوتر اکواه رسپاندت خوانده شده بسبب اخر شد
باندامروز باز در پیشگاه تمه کاغذات تحقیقات از اظهار کاشینا تهه بدهنداد و دیگر هیچ نیز انا
پرکور و مهاپاتر کواهان جانب رسپاندت خوانده شد بعد ملاحظه جمیع کاغذات و غور بر کاغذ حالات مقدمه
دعوی مدعی یعنی اپلانت از روی تحقیقات اگر جانب رو بکار حاصل ریجارد دیاز و بلصاحب حاکم مصدور ۱۸۳۴ جولای سنه
بعمل آمده نسبت ثابت استحکام نه پذیرفت زیرا چه کواهی کواهان از طرف مدعی نسبت بود لیکن از طرف مدعی علیه
رهبول بهای مخصص سمعی رسپاندت و نیز اظهار اکشر ذرماده قبالت شدن لوکناتهه وغیره لوکران کشنچندر مدعا علیه
نیز سماعی و از روی کواهی کواهان رسپاندت تردید نپذیرفته و بلحاظ اظهارات کواهان طرفین اینمقدمه
قرار واقعی متحقق کشت که مدعی الحقیقت پسر کشنچندر از بطن زوجه بهول بهای بوده است بنابر لکس ان
کواهان مدعا علیه رسپاندت دو کس کواهان نامیده مدعی اپلانت یعنی کمکادهر و داس رتهی متهی
بیداشت که ما در مدعی اپلانت کسبی بود و قطع نظر ازان در مقدمه همرد و هزار چهار صد و شصت و نهم مقصله
ایمدالت حسب تشفی عدالت بانبات رسید که شام چندر برادر علاتی کشنچندر وارث کشنچندر مدعا علیه

رسپاندنت نا بمقدمه مذکور الصدر بنسبت آن نا نظر کردیده و بودن شام سندر مذکور پسر راجه چندر
زوجه بهول بیاهی از چند کسان شاهدان گذشته ایمقدمه هم بپایه صداقت رسید پس در انحال بمقدمه
مدعی پسر کشن چندر از بطن زن بهول بیاهی هم بوده باشد شام سندر پسر راجه رام چندر و برادر علاتی
آراج منازع بنسبت مدعی اپلانت ترجیح میدارد و دربارهٔ بینت رسپاندنت از فراین مقدمه
راجه شام سندر او را مبنی داشته باشد چنانچه صداقت آن از چند کواهان رسپاندنت واضح
از طرف شام سندر خواه از طرف ثانی بتپاس دئی حسب اجازت کشنچندر مبنی کردیده باشد
مدعی اپلانیت در صورتیکه رائی بتپاس دی درباره آن هیچکدام دعوی داشته باشد باختیار کنه
رجوع آرد نظر بر نمراتبات از انجانب برای طامس تحمل رابرتسن صاحب حاکم اینعدالت مرقومه چهارم
جولای ۱۸۳۳ع در باب سنهس اپلانت و بحالی فیصله صاحب بسپرندنت قلعجات قسمت جنوبی ضلع
و مستحکردیده حکم ناطق کردید که اپلانت سلات و شمس و فیصله صاحب بسپرندنت قلعجات قسمت جنوبی ضلع
مرقومه سیزدهم ماه سپتمبر ۱۸۳۳ بحال و برقرار باشد دهکی خرچه ذمه اپلانت نوشته و چون اپلانت
حکم ثانی نفاذ یافت که از جمله زرمختانه وکیل رسپاندنت مامونه تحویل اینعدالت نصف
و نصف بر سپاندنت حسب ضابطه داده آید و تمه مختانه وکیل رسپاندنت شامل اجراجات

دستیابی جایداد اپلانت بمعرض وصول درآورده شود و معلوم

385/-1833 - 10

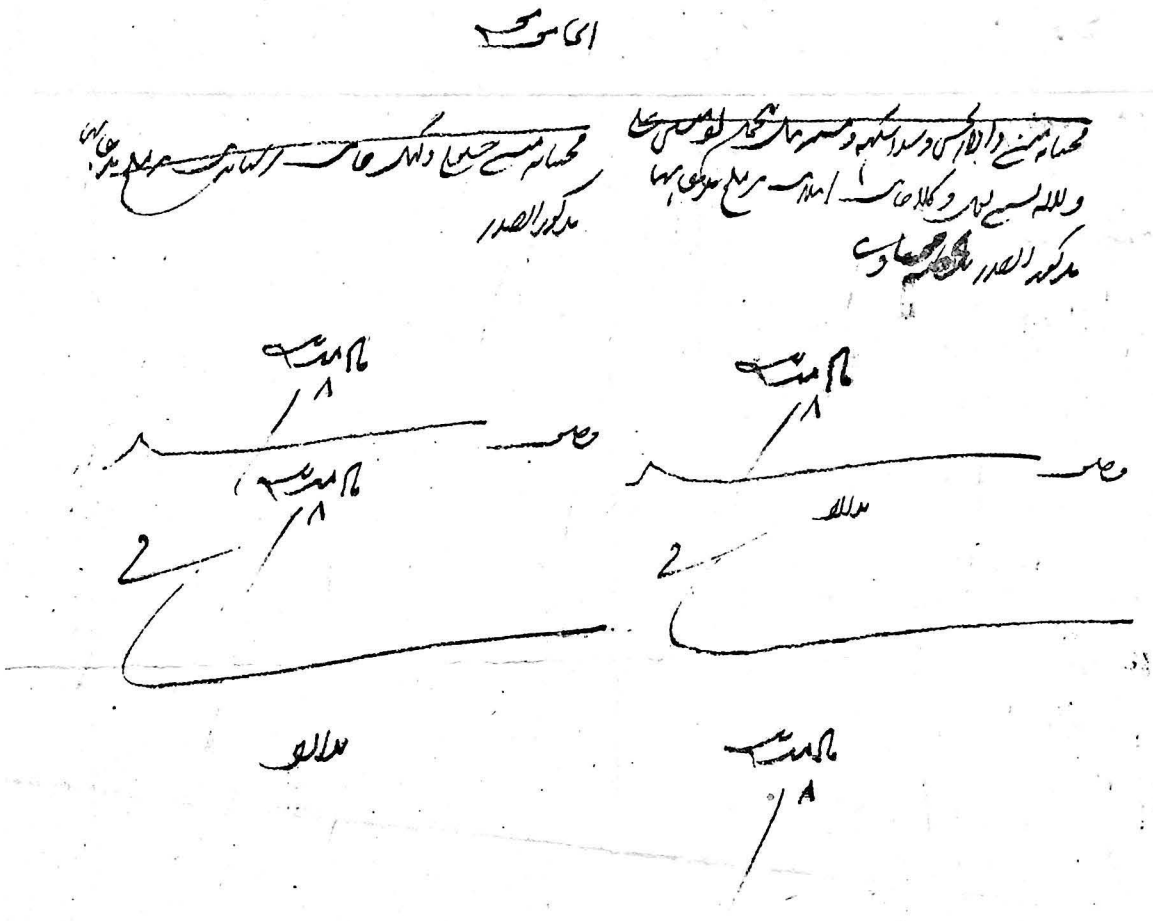

(۵)

Sign of Mr. Shakespear
14th Sept. 1905

385/1833-11

دکری عدالت وثوق صدر اعظم مملکت

۱۹۳۳ھ
۳۱۰۵ سنه

لسان تاریخ دوم ماه سنه ۱۳۳۵ مطابق غره ماه بهار سنه ۱۲۹۴ حکمه روز چهارشنبه بمحکمه عدلیه حضور ریاست مآب عدلیه

اسلانت

راجه جنابروف ادرسکه مهندر مجلس

سماه رای کمدن دی روده ایلچی سکه عزت مآب سمدر مهندر متوطن ماورد محافظ بهادر رسالدار مهندر

مقدمه اسکه اسلانت طرفین مدعی مدعا علیه راجع سلاح ملوه و مکانات معدات مسلح جهاز بزرگ صدر اعظم

روسیه که مالکه کمپنی مملکت مسالمه آن تاریخ مانقدم و سنه ۱۹۳۲ھ عام ایلچی سکه عزت مآب سمدر مهندر

و در سرحد غوریه و مملکه بیشاک و دیگر سرشاک و اهند بشاک و بهکوبکر او بلهدر مصر و ماورای مانی

مدعا علیهم در عدالت سرونت ملوی قسمت حضور صلح کمک بدینسبب اظهار بیان نمود که راجه مملکه

مملکت موسوم اولست زیرا که بسلطنه عام حمدر مهندر بهادر حدودی از بطن رای بهیک مات راجه مهندر

مهندر بهادر فرحدودی متولد شده بعد فوت پدر عرش مسلح ملوه مطور و مسلح متروکه پدر

و سلاحات قابض و بتصاحب شده شکش حمدر سلام السبر بطی سماه بهلدن بهیک مات اولاد در سنه ۱۲۱۱ھ

385/1833 13

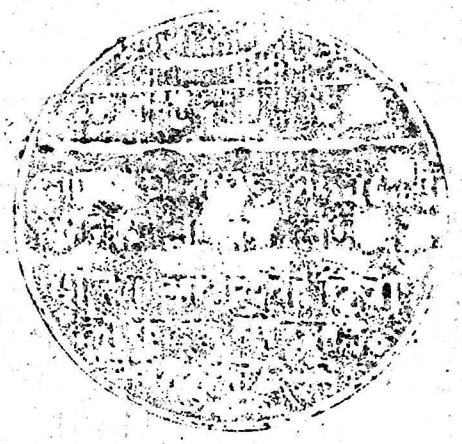

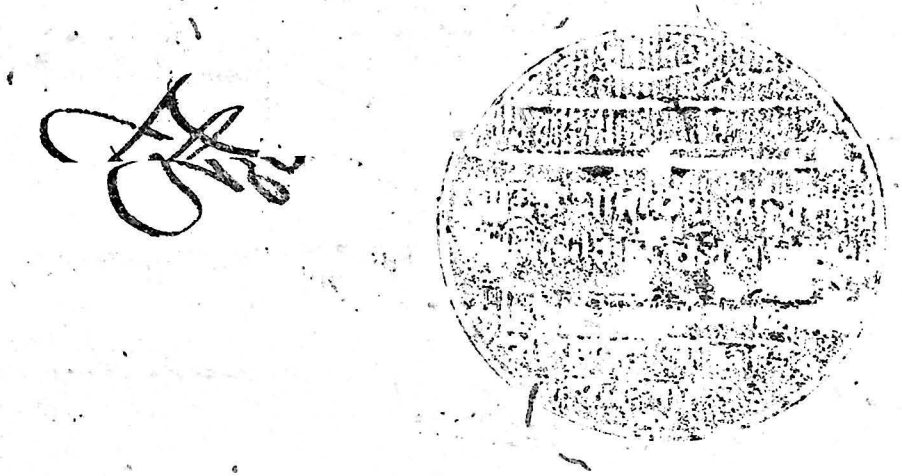

385/1833-14

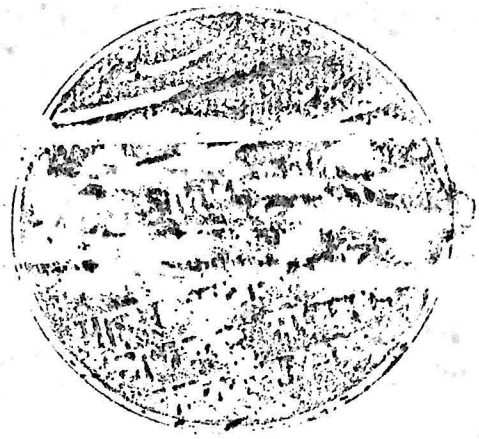

389/1833-15

متفرقه مسائل آینده ملحاظ مراتبات مشروحه بالا حکم شد که دعوی مدعی و عدم خرجه و مدعی کلیه
اسلامبول از آن فیصله بالا صادر شده کلمات اسلام صدر معلم نمره و عرض اسلام و اعلام فیصله بس صاحب
سرعسکر مصروف گذارند در اینصورت حاجی صاحب سرعسکر واقع معلم سنه ۱۳۳۳ ه در معدالت رسیدگی
در شهور ماه سنه مذکوره بکمال اجرای و رای عدل را از طرف حاکم اسعدالت ورس کرده
نوعی مندرجه روکاری بالا مرقوم بایه مطروحه ماقبله اجرای اطلاعات تمام اسلامبول و اعلام نامه
تمام رسالت و طلبه کاعدات بعمل آمده و بعد مرتب شدن معدله موجب حکم نسخه ارکری مرقومه
سنه ۱۳۳۳ ه معدله نزد اسلامبول مرتب بمرتبه حاکم و سوم و چهارم ماه عزیزی سنه ۱۳۳۴ ه ثبت
طاس کمال رای سیل صاحب سالم مقام حاکم اسعدالت ورس و بعد ملاحظه کاعدات معدله مدعی مدعی علیه
الفصال یافت که اسلامبول سابق مدعی مدعی علیه را حکم ملزومیکان باظهار نوشته سر فصل مدعی
مشروحه از طرفین بعمل مبلغ مسموعیت و قلمه مسارعه فیه از قلعجات مفصله و قعه دوم کانون ثانی ۱۳۱۶
و موجب وقعه سوم کانون مذکور و در تحریر معدلات انجام مراعات و دستور و رواج معدل از اندیار
واجب و متحتم و از اظهار ادعای آن رسالت بلکه از روی کاری کمال مهارت نهاد و در سر بس مبلغ
کلی آن اسلامبول تحقیق میرفت که حرف و دستور حاندان سابق حکمان و دیکمان زمان بعمل مبلغ و نور
بعد محال سر رامی مانند و لولی بازاری بعمل مبلغ ملزوم ارد شد و در نور حاصل نوران نافت و ما ورد
لولی اصد و سرون از نور بعد محال سر رای سابق کس حیدر مهدر قیام مدارت و کاهی در نور حاضر نافته

از حوالی مسیم مندرجه نقشه سرحد مالک و حوالی سایر حکام ملحق صلح کمک مالی دریافت

و مصور صاحبان ایشان کرده شد معلوم می گردد که در شرط کسی و کمتر خصوص از سایر حکام نیست و هر کدام از سرحدی

سوای مالیه سالانه که صدر مهد متحمل شدن ایچه در حوالی دوازدهم نقشه مرقوم نوشته شده در سر

سوای مالیه سالانه می توانند شد لکن آنرا می توان اضافه و علاوه شدن آن سوای مالیه مشروط

نمودن لکن و لکن سالانه قرار داد و ان جدید است و در هر صورت نزدیک اجرای رسم

اعلانات اصحاب سایر حکام ملحوظ نداشته و فصله صاحب سیر رئیس و در باره و تمکین و حکم

مدعی و رئیس معلوم می گردد که ایشان ملحوظ بسیکه مقدمه صدور حکم بحالی فصله از رئیس حاکم و دیگر مسائل مصرح شده

حکم هر کدام عدالت بعرض صدور حکم ملحوظ اینکه ایشان اعلانات تمکین کرده و فصله صاحب سیر رئیس

ملحقات سمت حوالی صلح کمک مرقوم سیزدهم ماه سپتمبر سنه ۱۸۳۳ الحاق و مقرر باشد که تمکین کرده و در بر

سالک سنه ۱۸۳۴ و در اصدار حکم حکم صدور نیست خط مرطوی ان ماه ۱۵ با نوزدهم و سنه ۱۸۳۴ با نوزدهم و تحدید حوالی

385/1833

به حاکم سایر و مالیه حاکم اعمال رو لکار که بعد ملاحظه کاغذ مقدمه لطف اظهار در

اعلانات و کمک بعض مراتب مندرجه رو لکار نهای تواریخ مرقوم ملحوظ ماندن از ان بعد فصله سیر رئیس

صاحب سیر رئیس مرقوم است و سیزدهم سپتمبر سنه ۱۸۳۴ ع ماه مسیم و سیزدهم حوالی سنه ۱۸۳۵ مارش حاکم مصروف رو لکار

و در اینکه بحریف خلاصه ارش اینکه بعد کاغذ ملحوظ مراتب کوائی اعلانات صاف مانده

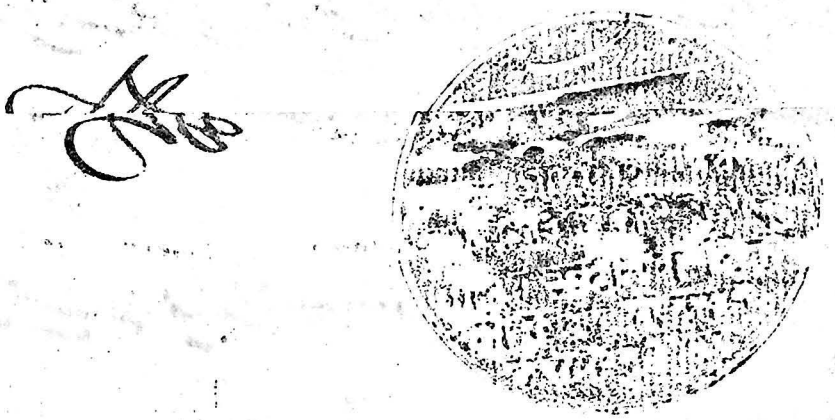

که املاک سر حلیه راه کش سرن ارطی مساه رلیه کاوی رن نهلک ها ی راه مرقوم و مساه مذکوره و خیر

چگانه هر محمد نخص معمر و نخب بصه ت و راه مرقوم و رحمات خود لکمال احتیاط املاک را مورث

تعلیم مکرد و ما ورثش را لعمر و اعمار مدراث و هر کاه سلاله کس سرن لوک الوف املاک

ما مالیه و سام سدر حکم املاک عاقاری مالیه نوصحیر و تقدیر مرگدی سلاله قلعه مساره نشت و املاک

و ما در و حوام هرش را مقدر ساخت لس قدر کرونش املاک و معلقاتش را لحر اسکه املاک سلاله

مسحی را حکا میدانت و لهذا حوف مسکرد امری و سکر خاشد هر محمد کوهان مدعا علیه ریاست مطمئن اند

که مساه راد هکا در ما ور املاک اولاد نزد و رام و راس لسنوه لعدر قاس او مت اشته کده مرالوف

مساه مذکوره لعمر تقدیر ما یحتاج ساله لوه از املاک کس حصه رثش خود و راثت لکن مرکوز همچو کوراه ان که محص ما لعدار

و سیر کا ر مدعا علیه لوده از اعماد عدالت حاصل نمی لوده اند و مدعا علیه فیصله اعدالت ما لعدار ۲۴۶۶ سال

که و لمان حص مساره و مانع حص املاک شدن نمی توانند نه صه هر کاه تحریر مصدقه مرقومه و رعدالت لعمال اند

الوف املاک سلاله ما مالیه و لدحاری مارحاه اهالی آنمحله معدود رمادر ما و سکر مراتب ما حلاف سلاله

طامس کمال رامی حاصل حکم شد که کا عدات مقدمه نقوض صدور حکم قاطع امکه اهالی املاک

و سکر و فیصله حاصل سر رشد و اتمام سنه ۱۳۳۳ الوف مسوح کمه و املاک با جرای و سکر اعدالت

مرر احکا قلعه مساره فیه و حلد یا مده باید و خرصه عدالتی برد و حلکا رحاق قلعه مساره لوسه کمه

بر مالک بنی کرده آرد و املاک که و شی رد و اصلاحات قلعه مساره مدارد و حالا نسبت بدان

صدور حکم ضرورت و در صورت انتقال رای حاکم و یکی از اصلاحش کافی و رأی حاکم

صادر خواهد شد ضمن احکام مسبب و اداره ثبت اسناد که مدت و شرایط حکم او مسمی عادلانه

و کلای اسنادنت و سایر اشخاص که برای کمک در تنظیم اسناد حاضر آورده شده در تنظیم اسناد

موارد ذیل و مشروط و مکلف به رعایت مقررات ذیل خواهند بود

مواردی که مرجوع به کاغذ مهر شده اداره ثبت اسناد و تمبر اسناد طبق مقررات

بعد از خاتمه شدن دوره مقرر شده برای کاغذ مهر شده بدون

و یکی از ادارات ثبت اسناد که مهر شده برای آن حاضر شده نشده باشد

جمیع کاغذ و تمبر مرکب حاصلات مصرفه در برگ اسناد و طرق تعیین اسنادنت از روی

که در دفاتر ثبت اسناد ثبت شده و مهر شده برای آن حاضر شده نشده باشد

مصرف زیر اداره کل ثبت اسناد از طرف وزارت دارایی بفروش میرسد

و میزان اظهار اتش در باره قبول شدن نوکران کل حدود را که در دفاتر ثبت اسناد

کلای کل ثبت اسناد تحریر و در سر دفتر ثبت اسناد ثبت شده باشد

مبلغ یکصد ریال و حداقل پنجاه ریال بوده باشد

کوپن های مصرفه در دفاتر ثبت اسناد و در کل کوپن های مصرفه

مبلغ یکصد ریال و حداقل پنجاه ریال بوده باشد

اعدالت حسب تشخیص عدالتماب رسید که تمام سدر یا کلور علاقه کس حدود وارث کس حدود مذکور بوده و عدد
رسادرنٹ مای معدده مذکور الصدر بنسبت ان مسطور کرده و بدون تمام سدر مذکور بسر راه تمام حدود از طرف
روه یا علاقه ای از حدود کس نشاندان کرده ایمقدار هم حدود رسید لس و درخواهی هر قدر که سدر بسر
کس حدود از طرف زن یا علاقه ای نم دوده باشد تمام سدر بسر راه حدود و یا کلور علاقه کس حدود حسب راه
راه متصاحبه بنسبت مدعی اعلان ترجیحی دارد و در باره تنبیه رسادرنٹ از قرائن معدده احمال
راه تمام سدر او را متنبه دارد که حدود آن از حدود کوای رسادرنٹ واضح نکرده از طرف
تمام سدر حواله از طرف رسید تمام حسب احصار کس حدود متنبه کرده باشد اینصورت مدعی اعلان
در صورتیکه رسید تمام حسب در باره آن محکمه دعوی دارد باشد احصار حسب آنمکن رجوع الوطن مرتکب
سزای ای سزای قانون کمال رای حسب حاکم اعدالت مرقومه حکم مورخه ۱۳۳۴ ۱۳۳۴ ع در باب
تسلیم اعلان رسادرنٹ و فیصله حاکم رسادرنٹ فسخ نسبت حدود اصلع کمک موافی و محدد کرده حکم ماطی کرده

که اعلان اعلان تسلیم و فیصله حاکم رسادرنٹ فسخ نسبت حدود اصلع کمک مرقومه سنه دوم ۱۳۳۴ ع
محکمه قرار داده باشد و هیچکدام حواله دعوه اعلان نوسه کوه دعوی اعلان معلوم نیست لهذا حکم ماطی الفاظ ماف
که از جمله زر محاره و کمک رسادرنٹ ماموره تحریل اعدالت الصف نوکمک رسادرنٹ و الصف رسادرنٹ

385/1833-18

حسب ضابطه داده آمد و مبلغ مجاز وکلای رسانیدن سایر اخراجات دیگر شرط و مساعی حاصل او املاک

معروض داشت در اولله کوه تقاضا

اعامی

محمد [illegible] و سکنه [illegible]

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

محمد [illegible] وکلای رسانید

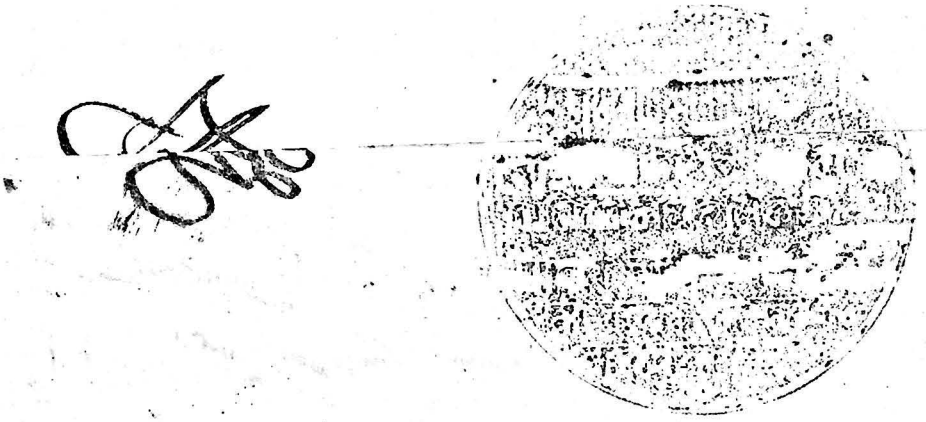

385/1833-19